■ سال بیست و هشتم ■ شماره ۷۹۸۷ ■ چهارشنبه ■ ۲ شهریور ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۷ | اذان مغرب ۲۰/۰۱ | نیمه شب شرعی ۰۰/۲۲ | اذان صبح فردا ۵/۰۲ | طلوع آفتاب فردا ۶/۳۱

سخن روز

امام رضا(ع):
هر کس اندوه مؤمنی را بزداید، خداوند در روز قیامت، غم از دلش می‌زداید.
(الکافی، ج ۲، ص ۲۰۰)

یوسف حاتمی‌کیا از پدرش خرج نمی‌کند

مریم سعادت: از یوسف حاتمی‌کیا آنقدر راضی‌ام که خدا می‌داند. البته این حس ربطی به حاتمی‌کیای بزرگ ندارد. در اولین برخوردی که با یوسف داشتم نمی‌دانست که آیا این نقش با چهره من همخوان است یا نه، گریم شدم که ببینیم جواب می‌دهد و وقتی تست گریم با طراحی آقای امید گلزاده که کارش دست مریزاد دارد، با دلنشینی زیاد تمام شد یوسف پذیرفت و کار شروع شد. او اگرچه کم‌سن و سال است اما انسان بسیار بزرگی است و بلد است با آدم‌ها چطور ارتباط برقرار کند، بلد است با هنرپیشه‌های ریز و درشت چطور کار کند و جالب است که اصلاً از پدرش خرج نمی‌کند. او شریف است و این خصوصیت در فیلم هم جاری شد و به نظرم بزرگ‌ترین ویژگی فیلم «شب طلایی» همین شریف بودن و سادگی آن است.

از صحبت‌های این بازیگر با ایسنا

اگر تو فارغی از حال دوستان یارا
فراغت از تو میسر نمی‌شود ما را
تو را در آینه دیدن جمال طلعت خویش
بیان کند که چه بودست ناشکیبا را

سعدی

نگاره
نیما شاه‌میری

فساد ۹۲ هزار میلیاردی و جیب هایی که چاق شدند

منوچهر اسماعیلی در سن ۸۳ سالگی درگذشت

خاموشی اسطوره دوبله ایران

فرهنگی/ منوچهر اسماعیلی دوبلور هنرمند، پیشکسوت و معروف به مرد هزار صدای دوبله ایران ۳۱ مرداد ماه بر اثر ایست قلبی و عوارض ناشی از کرونا دار فانی را وداع گفت. منوچهر اسماعیلی دوبله فیلم‌های بی‌شماری را بر عهده داشته و همچنین مدیر دوبلاژ آثار مختلفی بوده است. او به صحبت کردن به جای چند شخصیت در یک فیلم با صداهای متنوع و تیپ گویی شهرت دارد. شاخص‌ترین نمونه صحبت همزمان او به جای چند شخصیت با صداهای متنوع در یک اثر مربوط به «هزاردستان» علی حاتمی است که جای شعبان (محمدعلی کشاورز)، رضا تفنگچی (جمشید مشایخی)، هزاردستان (عزت‌الله انتظامی) و جمشید لایق حرف زد. بر صدر فهرست پروپیمان صداپیشگی این هنرمند فقید صحبت کردن به جای آنتونی کوئین در نقش حمزه فیلم سینمایی محمد رسول‌الله(ص) قرار دارد. پیکر منوچهر اسماعیلی امروز (چهارشنبه دوم شهریور ماه) در بهشت سکینه کرج به خاک سپرده می‌شود.

پرواز در نسیم تابستانی

یادداشت

مازیار معاونی
منتقد سینما

در طول سه چهار سال گذشته گویندگان (دوبلورهای) بسیاری را از دست داده‌ایم، چهره‌های ارزشمندی که هر کدام بخش مهمی از تاریخ ۷۰ ساله هنر دوبلاژ را نمایندگی می‌کردند.از بهرام زند که صلابت و مهارت در صدایش موج می‌زد تا حسین عرفانی که استادی بی‌همتا با جنس صدایی منحصر به‌فرد بود و اجراها و بویژه تیپ‌سازی‌هایش تا ابد در ذهن‌ها خواهد ماند، استاد رفعت هاشم‌پور که با صدایی گرم و گویندگی بی‌نظیر از سوزان هیوارد تا عمه هِ تی (قصه‌های جزیره) بسیاری نقش‌های دیگر را برای‌مان ماندگار کرد؛ استاد چنگیز جلیلوند بی‌نظیر و حنجره طلایی که بر اثر ابتلا به کرونا داغدارمان کرد و البته دیگرانی چون محمد عبادی، مهدی آرین‌نژاد، محمود فاطمی و... اما زمانی که فرشته مرگ بر شانه‌های چهره‌ای می‌نشیند که دهه‌هاست کوچک و بزرگ از او با عنوان «بهترین گوینده تاریخ دوبله» یاد می‌کنند، بی‌تردید با فقدانی بزرگ‌تر و خلأیی اندوه‌انگیزتر مواجه هستیم.

فقدانی همردیف با سوگ از دست رفتن استاد علی کسمایی، «پدر دوبله ایران» و حتی تلخ‌تر از آن، که از خاطرات فراموش نشدنی مخاطبان با صاحبان صداهای جادویی سرچشمه می‌گیرد.

زمانی که استاد منوچهر اسماعیلی را در نظر می‌آوریم، حقیقتاً نمی‌دانیم از کجا و از کدامیک از نقش‌گویی‌های این مرد بی‌بدیل دوبله آغاز کنیم.از سِر توماس مور (مایکل اسکافیلد) ساخته جاویدان فرد زینه‌مان یعنی «مردی برای تمام فصول» بگوییم که استاد تمام دشواری تصمیم سخت سر توماس در مواجهه با تصمیم ضدمذهبی پادشاه برای ازدواج مجدد را در اجرایش بروز می‌داد؛ از بن‌هور (چارلتون هستون) به کارگردانی ویلیام وایلر بزرگ یاد کنیم که قهرمان چگونه به دست دوست دوران کودکی به بردگی کشیده شده و مادر و خواهرش را در چنگال طاعون اسیر و گرفتار می‌دید و اسماعیلی بزرگ تمام غم و درد مردی که این چنین از صدر به ذیل آمده و از نجیب‌زادگی به بردگی در کشتی اربابان رومی کشانده شده را در صدا و اجرای خود بازتاب می‌داد، می‌توان این کارنامه پربار را ادامه داد و از بازیگران بزرگ و آثار درخشان دیگر سینمای جهان هم یاد کرد؛ از گویندگی به جای «پیتر فالک» در «معجزه سیب» و «دنیای دیوانه دیوانه»، از «لارنس اولیویه» در «اسپارتاکوس»، «الک گینس» در «لورنس عربستان»، «ژان گابن» در «توهم بزرگ» و... ده‌ها فیلم درخشان دیگر سینمای دنیا که از دهه ۵۰ میلادی تا همین دهه‌های اخیر به روی پرده رفته‌اند.

اما نمی‌توان از منوچهر اسماعیلی بزرگ گفت و از نقش‌گویی درخشان و تکرار نشدنی او به جای «آنتونی کویین» در نقش «حمزه»/ «عموی پیامبر» در ساخته بی‌همتای مصطفی عقاد فقید یعنی فیلم «محمد رسول‌الله/ الرساله» یاد نکرد، افزون بر حضور کاریزماتیک و بازی حیرت‌آور «آنتونی کویین» در این نقش که به بهترین و ملموس‌ترین شکل ممکن به این چهره بزرگ تاریخ صدر اسلام بر پرده سینما جان بخشید، نقش‌گویی منوچهر اسماعیلی در فیلمی که خود با استادی هر چه تمام‌تر مدیریت دوبلاژ آن را هم برعهده داشت برای مخاطبین ایرانی مقید به دین اسلام که از کودکی شرح رشادت‌های این سردار بزرگ صدر اسلام را بارها و بارها شنیده‌اند ارزشی دوچندان بیشتر از دیگر نقش‌گویی‌های استاد دارد.علاقه مندان حرفه‌ای‌تر سینما که تماشای آثار سینمایی به زبان اصلی را هم از دست نمی‌دهند، بخوبی می‌دانند که «آنتونی کویین» نامدار در بیان خود نوعی مکث لکنت‌گونه داشت که شاید تنها از منوچهر اسماعیلی بزرگ برمی‌آمد که با همان مکث و همان آکسون‌گذاری به جای کویین، نقش‌گویی کند. گویی که خود بازیگر انگلیسی زبان، زبان فارسی را آموخته و دیالوگ‌هایش را به زبان ما فارسی‌زبانان ادا می‌کند، مهارتی که به گواه بسیاری از کارشناسان عرصه دوبله در فیلم عقاد و نقش «حمزه» به منتهای اوج خود رسید و به یکی از قله‌های دست‌نیافتنی کارنامه کاری این گوینده پرآوازه بدل شد.

از نقش‌گویی‌های استاد از دست‌رفته در سینما و تلویزیون ایران هم خاطرات بسیاری برجای مانده است.از هر دو نقش «قیصر» و «خان دایی» در اثر به یادماندنی مسعود کیمیایی یعنی «قیصر» تا سه نقشی که در فیلم نوستالژیک «مادر» ساخته زنده یاد علی حاتمی به جای زنده یاد محمدعلی کشاورز، جمشید هاشم‌پور و اکبر عبدی گفت بدون آنکه مخاطب عام متوجه یکی بودن دوبلور این نقش‌ها شود تا گویندگی در چهار نقشی که زنده‌یادان «جمشید مشایخی»، «عزت‌الله انتظامی»، «محمدعلی کشاورز» و «جمشید لایق» در سریال درخشان «هزار دستان» ایفا می‌کردند و بسیاری از نقش‌های خاطره انگیز دیگری که در این مقال نمی‌گنجد. روحش شاد و یادش سبز و جاویدان.

گوهر یک‌دانه صدا

یادداشت

محمود قنبری
دوبلور

زنده‌یاد منوچهر اسماعیلی از دوستان بسیار نزدیکم بود. هنوز مرگ این گوهر یک‌دانه را باور نکرده‌ام. او صدایی است جاودانه. صلابتی که در صدای او بود در کمتر دوبلوری دیده و شنیده‌ام. او از افرادی که حسادت می‌ورزیدند و نسبت به او بغض داشتند همیشه دوری می‌کرد و فاصله می‌گرفت. زنده‌یاد منوچهر اسماعیلی آنقدر در کارش والا بود که بعضی‌ها چشم دیدنش را نداشتند. دیگر نظیر چنین صدایی را نخواهیم داشت.ما کارهای بسیاری با هم انجام دادیم. یکی از کارهای به یادماندنی ما فیلم سیاووش بود. دیالوگ این فیلم را من به اشعار فردوسی تبدیل کردم. بخشی به شعر بود و بخشی هم به نثر. با او در فیلم‌های بسیاری مثل دانتون، شجاع‌دل و... خاطره بسیار دارم. او عشق و علاقه زیادی به کارش داشت. تا آنچه که می‌خواست درنمی‌آمد، محال بود صدا ضبط شود. با صدایش کاری می‌کرد که کاراکتر فیلم بیش از خودش قوی‌تر شود.

صدها فیلم دوبله کرد. حتی نسل جدید هم با آثار او آشنا هستند. صدای او همیشه میهمان خانه‌های مردم بود و انصافاً مردم هم همیشه به منوچهر لطف داشتند و قدردانش بودند.من در جریان بیماری او بودم. یک بار بیمارستان رفتم اما چون تحت مراقبت ویژه بود، اجازه ندادند او را ببینم. با دخترش مدام تماس داشتم و جویای حالش بودم. وقتی از اتاق مراقبت‌های ویژه به بخش منتقل شد، دیگر خیالم راحت شد؛ احساس کردم که روبه‌راه شده است. برایش پیام دادم که هر وقت حالش خوب‌تر شد به دیدنش خواهم رفت، اما او پر کشید و به دیار باقی رفت. روحش شاد و یادش گرامی باد!

آزاد از رنگ تعلق‌ها

پیشنهاد

میناتبئی
خبرنگار

بسیاری از ما اغلب آغاز کردن و از کجا آغاز کردن را می‌دانیم؛ اما کمتر کسی دقیقاً می‌داند که کجای مسیر باید ماجرایی را تمام، یا یک پیوند و یک چرخه معیوب را متوقف کند و گاه چنان دچار روزمرگی‌ها و ناگزیر ناچارگی‌ها می‌شویم که فراموش می‌کنیم اصلاً زندگی نکرده‌ایم و تنها به جبر پیش رفته‌ایم و زنده بوده‌ایم.دلیل زندگی نکردن‌هایمان هم به طور معمول کسی و چیزی جز خود ما نیست؛ اغلب ما خود را اسیر و گرفتار زنجیرهایی می‌کنیم که با عشق، هر روز رنگشان می‌زنیم تا مبادا زنگ بزنند و بپوسند و از دست و پاهایمان جدا شوند. اگر ساعت بیدار شدن میلیاردرهای بزرگ دنیا را جست‌وجو کنیم، درمی‌یابیم که همگی بین ساعت ۵ تا ۶ صبح از خواب بیدار می‌شوند؛ چرا که تعلقاتشان به زنجیرشان کشیده است و شاید این بزرگ‌ترین درس زندگی باشد که باید حواسمان را جمع کنیم که گرفتار تعلقاتمان و روزمرگی‌ها نشویم و این پند را در خاطر نگه داریم که بایسته است که «عادت کنیم که هیچ وقت عادت نکنیم.» لسان‌الغیب، حافظ شیرازی می‌گوید:

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود
ز هرچه رنگ تعلق پذیرد، آزادست

انیمیشن ۷ دقیقه‌ای و مفهومی «The Last Knit»، که معنای آن آخرین گره (بافتن) یا آخرین پیوند است، اثر ژرفی است از لائورا نیو وومن (Laura newvovmen) و در شمار انیمیشن‌های کوتاه برگزیده جشنواره‌های بین‌المللی سال ۲۰۰۵ قرار دارد و ساخت کشور فنلاند است. این انیمیشن، کاری هنری است و به نوعی محتوای روانشناسی دارد و مفهوم تعلق خاطر به منطقه امن عادت‌ها را به تصویر می‌کشد.نمادهای اصلی این انیمیشن، قیچی، بافتنی و میل بافتنی است. بافتنی، نماد عادت‌ها و روزمرگی‌های کشنده و کشنده‌ای است، که ناخواسته چنان به آنها سرگرم می‌شویم که از خاطر می‌بریم بی‌آنکه به ایده‌ها و آرزوها و علایقمان دست یابیم، داریم به آخر خط می‌رسیم. موسیقی متن یکنواخت این انیمیشن هم به القای مفهوم روزمرگی به ذهن مخاطب یاری می‌دهد. قیچی، که به طور معمول یک وسیله کاربردی است، در این انیمیشن می‌بینیم که به زیر پا افتاده و گویی که به دست فراموشی سپرده شده است؛ و بانوی بافنده چنان از آن غافل است که نمی‌تواند به‌موقع از این ابزار نمادین بهره بگیرد و خود را از بند روزمرگی و سرگرم شدن به عادت‌ها جدا کند؛ از این رو سقوطی تلخ می‌کند و آسیب می‌بیند و موهایی که اقدام به بریدنشان نکرده، کنده و به درد و دشواری از وی جدا می‌شوند و به این شکل کلاف پیچیده عادت و پیوندهایی که عمر بر سر آنها گذاشته و حالا باید از آنها فاصله بگیرد تا زندگی‌اش رنگی تازه و دوباره بیابد، می‌گسلد.

وقتی که بار دیگر وی به سختی موفق می‌شود خود را به جایگاه قبلی برساند، یعنی از لحظه بیداری، درمی‌یابد که باید رها کرد تا رها شد؛ از این رو آخرین مظاهر تعلق، یعنی میل‌های بافتنی را هم به دره می‌افکند.بانوی بافنده وقتی از یافته‌های پوچ زندگی و بافته‌های ذهنی رهایی می‌یابد، تازه می‌فهمد نه‌تنها آن بافتنی، که سنگینی موهایش هم آزاردهنده بوده است و باید حتی از این هم سبکبارتر و سبکبال‌تر گردد؛ از این رو نماد قیچی دیگرباره نقش انفصالی و قطع‌کننده به خود می‌گیرد و بانو آن را برمی‌دارد و ناخن‌هایش را نیز که هم‌سو و هم‌هویت با شالِ بافته و موهایش شده‌اند، کوتاه می‌کند. سپس گویی که از دریچه‌ای تازه و با تجربه‌ای بسنده به پیرامون خود بنگرد، قیچی را در دست می‌گیرد و آگاهانه و هوشیار به پایش پیرامونش می‌پردازد و تیغه‌های آن را بر هم می‌زند تا اگر لازم باشد، به‌منظور قطع وابستگی‌های دیگر هم از آن بهره بجوید.بیدل دهلوی بر آن است که آدمِ متعلق، انسان بدون اراده است و نمی‌تواند بیرون از حوزه تعلق خویش بیندیشد. این شاعر ژرف‌اندیش در باب تعلقات بشری اینگونه می‌سراید:

مُردیم و ز تشویش تعلق نگسستیم
چون آدم بیچاره که افسار خران بست

سرزمینی به نام دلتنگی

یک فنجان چای

رامتین ایمانی‌نوبر
روانشناس

آندره برینک در پایان رمان «لحظه‌ای در باد» می‌نویسد: «سرزمینی که در درون ما رخ داده است را هیچ کس نمی‌تواند دوباره از ما بگیرد، حتی خودمان.» Homesickness در زبان انگلیسی به معنای دلتنگی- بویژه در غربت- است، نکته قابل توجه آن است که در این اسم، کلمه Home (خانه) به کار رفته است. این نوع دلتنگی می‌تواند به احساس اضطراب یا استرسی اطلاق شود که هنگام دور بودن از خانه پیش می‌آید، از خانواده و دوستان نزدیک گرفته تا حتی نانوایی سرکوچه! خانه پناهگاهی است که انسان همواره در آنجا احساس امنیت، آرامش و هویت می‌کند؛ اولین جامعه‌ای که آدمی در آن قرار می‌گیرد، تا بهترین حامیانی که در زندگی داشته و دارد و خواهد داشت. در واقع دلتنگی آمیزه‌ای از دو هیجان عشق و غم است. احساس قریب و غریبی که به بیان ساده در غیاب تعلقات خاطری است که می‌تواند شخص، شیء، موقعیت یا هر چیزی باشد که بنا به دلایلی برای مدتی یا برای همیشه از آن دور مانده تا سبب اندوهش گردد. بنابراین دور شدن‌هایی مانند مهاجرت، سبب می‌شود که فرد با از دست دادن خانه، خانه بزرگ‌تر (میهن) و متعلقاتش مواجه شود، با از دست دادن آن حامیان و آرامش دهندگان عزیز، آنچه که سرانجام به دلتنگی می‌انجامد. علاوه بر این، گاهی اوقات دلتنگی در قواره «Nostalgia» نیز عیان می‌شود، اصطلاحی که در آن هم کلمه خانه دیده می‌شود. ترکیبی از واژه‌های یونانی Nostos به معنای «بازگشت به خانه» و Algos به معنای «درد و رنج ادامه‌دار» است که در سال ۱۶۸۸ توسط یوهانس هوفر دانشجوی پزشکی سوئیسی ابداع شد. بنابراین نوستالژی باعث می‌شود انسان با حسرت بیشتری به خاطرات و روزگار خوش گذشته که به آن عشق می‌ورزد نظری بیفکند؛ خاطراتی که در ابتدا و اغلب، در ایام کودکی و نوجوانی شروع شده، دورانی که فرد همچنان در خانه پدری‌اش به سر می‌بُرد. با این حال گاهی این احساس از نوستالژی هم فراتر می‌رود تا جامه Saudade را بر تن کند، اصطلاحی برگرفته از زبان پرتغالی در قرن سیزدهم است که به حالتی فرانوستالژی (عمیق‌تر و شدیدتر از نوستالژی) اشاره دارد. یعنی فرد افسوس شخص، فرصت، مکان یا احساس شادی‌آوری را می‌خورد که از دست داده اما همچنان امید به بازگشتش دارد، هرچند که از طرفی هم با نگرانی به آینده، احتمال می‌دهد که هرگز باز نگردد. بنابراین «سوداد» یک حالت روانی دوگانه، متضاد و تلفیقی از غم و شادی است که در زبان انگلیسی به معنای تلخ و شیرین ترجمه شده. از این رو گوته با ظرافت در نمایشنامه فاوست، دلتنگی، نوستالژی و سوداد را توصیف کرد: «...روزگار نوجوانی‌ام را به من بازگردان که در آن من هنوز جز امیدی در آینده نبودم؛ به من بازگردان آن سال‌های پربار از نغمه‌های خوش آهنگ را که چشمانم از دیدن تباهی‌های جامعه به وحشت نیفتاده بود و، دور از نام و مقام، دلم شیفته چیزی جز گل‌ها، این گنج‌های دلفریب دره‌های سیراب، نبود! من در رؤیاهای زرّین خود سرودخوان می‌رفتم؛ هیچ چیز نداشتم و با این همه خوشبخت بودم! تو آن آرزوها را که زندگی‌ام را خسته می‌کردند به من بازگردان، آن اندوه‌های دلخراش را که اکنون در حسرت آنم، جوانی‌ام را... در یک کلمه، کاری کن که در من نیروی کین داشتن و توان عشق ورزیدن از نو زنده شود!» بنابراین شناختِ درست از دلتنگی، مشتقات و چرایی‌هایش و علم به اینکه احساسی طبیعی است، هرچند گریزی از آن نیست و شاید هم به مشکلات اضطرابی، سازگاری یا افسردگی بینجامد، می‌تواند به فرد کمک کند تا با یافتن دلایل آن چرایی‌ها، در حد ممکن با آن کنار بیاید و حتی از آن به عنوان وسیله‌ای برای ارزشمندتر کردن روابطش با دیگران استفاده کند تا سبب گردد اهمیت ثانیه‌های با هم بودن را بیشتر بداند، ارزش حال را و لذت بردن از آن را درک کند. بنابراین «سرزمینی که در درون ما رخ داده است را هیچ‌کس نمی‌تواند دوباره از ما بگیرد، حتی خودمان»، فاخر خواهد بود اگر مالامال باشد از صداقت، لطافت، طراوت و البته، محبت. تا دلتنگی، سرزمین باشکوهی شود برای فردایی که آن نیز، روزی، به دیروز، تبدیل خواهد شد.

هنرمندان در فضای مجازی

اهالی فرهنگ و هنر، با به اشتراک گذاشتن آثار تازه خود با مخاطبان‌شان، از فعالیت‌های این روزهای‌شان خبر می‌دهند. اما روز گذشته اغلب صفحات مجازی هنرمندان اختصاص داشت به پیام‌های تسلیت درگذشت منوچهر اسماعیلی دوبلور و گوینده پیشکسوت ایران.

■ **یاد**

مریم شیرزاد، دوبلور باسابقه ایران، : «زبانم لال و قلبم درد گرفت، چه اهمیتی دارد. کاش راست نباشد. به چه کسی تسلیت بگویم وقتی تسلی‌بخش دوبله نیست.»

هومن حاج عبداللهی: «دوبله ایران مُرد از بس که صدا ندارد. عالیجناب منوچهر اسماعیلی روحتان شاد. چقدر خوشحالم برای خودم که در زمان زندگیش در این دنیا، من یکبار کنارتان نقش گفتم.»

مصطفی کیایی کارگردان: «همه صدای دوبله رفت.»

معصومه آقاجانی بازیگر و دوبلور: «او که توانست مثل آرش کمانگیر مرزهای دوبله را تا فراسوی باور ببرد، به ابدیت پیوست.»

مینو غزنوی دوبلور پیشکسوت: «خورشیدمان خاموش شد.»

افشین زی‌نوری دوبلور در سوگ اسماعیلی: «یادمه اون روز به شما گفتم تو این عکس بخندین، همه عکساتون جدیه و چه خوش اقبال بودم من که حضور بی‌نظیر شما رو درک کردم. بدرود مرد استثنایی، بدرود عالیجناب، بدرود...»

منوچهر والی‌زاده دوبلور: «متأسفانه صدای آسمانی دیگری را از دست دادیم. منوچهر اسماعیلی بزرگتر از کلمه استاد بود.»

علی عمرانی بازیگر و گوینده: «همین افتخار مرا بس که شما شاه لیر من در رادیو بودید. روحتان شاد استاد.»

کارن همایون‌فر: «بعضی انسان‌ها جایگزین ندارند. منوچهر اسماعیلی مرد بزرگ دوبله ایران رفت و نیمی از خاطرات ما را از سینما با خود برد. تسلیت به خانواده ایشان. جایش بهشت باشد.»

سعید شیخ‌زاده مجری و دوبلور: «صدای تاریخ هنر ایران، بزرگمرد دوبله ایران، این خانه را تو روح بخشیدی. بی‌شک صدایت تاریخ ایران را جلا داد. صدایت تا همیشه ماندگار و روحت در آرامش.»

میرطاهر مظلومی بازیگر و گوینده: «سینما با شما شنیدنی بود و سحرانگیز. فضیلت شما، کاربلدی شما و شرافت شما ردایی نیست که به هر قامتی بپوشانند. رنج دارد و دانش می‌خواهد ابتدایش شوریدگیست و انتهایش جاودانگی. استاد منوچهر اسماعیلی جاودانه شد.»

پرویز پرستویی، بازیگر هم با انتشار ویدیویی از صدای منوچهر اسماعیلی روی برخی آثار سینمایی یاد او را گرامی داشت.

داوود حیدری: «حنجره دوبله ایران از نفس افتاد. استاد منوچهر اسماعیلی بدرود تا دیداری دوباره.»

حسین علیشاپور: «الان او دیگر نیست. همان‌طور که علی معلم و چنگیز جلیلوند... مردی که اینچنین صلابت دارد و اینچنین خضوع می‌کند... مردی که چهره و صدایش پر از اراده است... مردی که با صدایش گریسته‌ایم و با او به زندگی رسیده‌ایم... دیگر نیست...منوچهر اسماعیلی سلام کرد و.... رفت.»

■ **چهره‌ها**

مهران احمدی از سریال جدیدش خبر داده با عنوان «بی‌گناه» که کارگردانی آن را برعهده دارد و به تهیه‌کنندگی مصطفی کیایی. این سریال از یکشنبه ۶ شهریور ماه در فیلیمو منتشرمی شود. محسن کیایی، ویشکا آسایش، شبنم مقدمی، مهران احمدی، مسعود رایگان، مهرانه مهین ترابی، رویا تیموریان و آتیلا پسیانی از بازیگران این سریال هستند.

پژمان حدادی نوازنده تمبک از کنسرت سه نوازی‌اش با همراهی امیر نوژان نوازنده تار و کورش تقوی، نوازنده سه تار خبر داده که شنبه ۲۷ آگوست(۵ شهریور) ساعت ۷ شب در شهر بِرْکلی ایالت کالیفرنیا برگزار می‌شود.

نوید محمودی کارگردان و تهیه‌کننده ایران، از کارگاه بازیگری سینما خبر داده که با مدیریت خودش در آموزشگاه سینمایی فرهنگ آوا برگزار می‌شود.

الناز شاکردوست تیزری از فیلم سینمایی «ابلق» منتشر کرده که در آن به ایفای نقش می‌پردازد.این فیلم برنده سیمرغ بلورین بهترین فیلم از نگاه تماشاگران بوده که درآن بهرام رادان، الناز شاکردوست، هوتن شکیبا، مهران احمدی، گلاره عباسی و... ایفای نقش دارند.

اما پیام‌های تبریک برای زاد روز حسین علیزاده که تاریخ تولدش روز گذشته بود همچنان ادامه دارد:

کیهان کلهر با انتشار شعری نوشته: «گاه رزم آمد بیا تا عزم زی میدان کنیم / مرد عشق آمد بیا تا گرد او جولان کنیم
خاکپای مرکب عشاق را از روی فخر / توتیای چشم شاهان همه کیهان کنیم
زادروزت بشادی و ساز، ای تک سوار دشت امید.»

صبا علیزاده، فرزند استاد هم آورده: «مانا باد نور وجودت.بتاب بر این مرز و بوم که گرمای تو زمستان‌ها بهار کند.»

پیروز ارجمند هم نوشته: «زادروز آزادمرد موسیقی ایران؛ استاد حسین علیزاده عزیزم مبارک»

عکس نوشت

شورای پروانه نمایش فیلم‌های سینمایی در جلسه اخیر با صدور پروانه نمایش برای فیلم‌های «رو در رو» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی سیدحسین شهابی و «۲۸۸۸» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی کیوان علی‌محمدی موافقت کرد. «۲۸۸۸» از جمله فیلم‌های حاضر در چهلمین دوره جشنواره فیلم فجر و در تجلیل از مقام قهرمانان شهید نیروی هوایی ارتش است.